

معرفی کتاب

سیری در تلمود

• میرنادر محمدزاده

آدین اشتاین سالتز^۱ در ۱۹۳۷ در روسیه به دنیا آمد. تحصیلات رسمی او در رشته ریاضیات است و در کنار آن به مطالعات خاخامی پرداخت و امروزه شخصیتی جهانی و از خاخام‌ها و رهبران فکری جامعه یهودیان است و تاکنون بیش از ۵۸ عنوان کتاب در زمینه تلمود، تفکر عرفانی یهود، جامعه‌شناسی، شخصیت‌شناسی تاریخی و فلسفی نوشته و به چاپ رسانده است. هم‌اکنون در فلسطین اشغالی ساکن و از خاخام‌های معتقد به سنت و یهودیت تلمودی است.

با اتمام تدوین تلمود، در قرن پنجم میلادی، صفحه جدیدی در کتاب تاریخ مذهب یهودیت گشوده شده است و آن را فهرست جامع شرعی و رسمی و مجموعه اوصاف و تعاریف قومی یهود می‌توان دانست که سراسر تفصیلات دین، آیین، معتقدات، پزشکی، بهداشت، فولکلور، آداب و رسوم ایشان از اصول و فروع جزئی و کلی در آن مندرج است. آن کتاب که در شش باب و ۳۶ مجلد تألیف شده است، برای یهودیان که همواره در قرون وسطی از مشرق به مغرب و از مغرب به مشرق سرگردان و آواره بودند مایه بقا و قوام گردیده و به منزله بارویی محکم و استوار اصول ایمان و عقیده ایشان را محافظت کرده است.^۲ بدین خاطر از تلمود به «وطن منقول و قابل حمل» یهود تعبیر شده است؛ گرچه در نظر سایر امامان کتاب مجموعه‌ای سبک بیش نیست، ولی برای آن قوم مشتمل بر حکمت و معرفت حق تعالی است.

از نظر مؤلف کتاب، قدرت تلمود از دو عنصر سرچشمه می‌گیرد. عنصر نخست، چنان که در بالا گفته شد، این واقعیت است که تلمود شالوده معارف مختلف یهودی را تشکیل می‌دهد و چنانچه این شالوده - خواه

سیری در تلمود

آدین اشتاین سالتز

■ سیری در تلمود

■ آدین اشتاین سالتز

■ باقر طالبی دارابی

■ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، بهار ۱۳۸۳



با سوء نیت یا به اجبار حوادث - خراب شود و در از تباها و غیره (عبرانی) صرفاً ماشین وار خواهد شد و زوال تدریجی رخ می دهد. به این ترتیب که هر کسی تنها به جنبه هایی توجه می کند که باب طبع او است؛ عنصر قوم در اهمیت تلمود، روش مطالعه منحصر به فرد آن است. مطالعه تلمود را نمی توان صرفاً به حفظ کردن و به خاطر سپردن ماشین وار محدود کرد. بلکه این کار مستلزم باز آفرینی و نوآوری مستمر بوده، مشارکت فعال و پرداختن به جنبه های نو و هوشمندانه طلاب را می طلبد.

نویسنده مقاله «میشنا و توسفتا» در دایرة المعارف الیاده، تورات را به شفاهی و مکتوب تقسیم می کند. تورات مکتوب همان اسفار خمسسه و سایر کتب مقدس عبری است که در نزد مسیحیان عهد قدیم خوانده می شود و تورات شفاهی شامل میشنا و ادامه دهندگان آن یعنی تلمود بابلی و اورشلمی است که در طول تورات مکتوب به ظهور رسید، لذا اهمیت آن برای یهودیان مانند عهد جدید است برای مسیحیان.^۲

با وجود اهمیت تلمود برای یهودیان، این مجموعه، هم در بین خود یهودیان و هم در میان ملل دیگر در طول تاریخ مخالفانی گاه سرسخت داشته است. در درون یهودیان جریان مخالفت عمده با تلمود به دوره اقامت یهود در اسپانیا در طول حکومت اسلامی آن کشور برمی گردد.

در قرن یازدهم افکار محققان و دانشمندان آن قوم در عراق و سپس در اسپانیا به نضج و پختگی خاصی رسید و آنها را از تنگنای نص تلمود بیرون آورد؛ عقیده رجعت به اصل کتاب مقدس (تورات) و ترک شروح و تفاسیر الحاقی معتقدان به تلمود^۳ در این زمان رواجی بسیار یافت. در

نسخه فرقه ای مبتدع به نام قرائیم^۴ (قرائت کنندگان کتاب مقدس عهد عتیق) به ظهور رسید. پیروان این فرقه برخلاف تلمود بر خاستند و آن را موجب انحراف اذهان و ضلالت افکار دانستند و مدعی شدند که حقایق اصلی را که به انبیای سلف الهام شده بود، مخفی و مستور می سازد. پیروای آنان عانان بن داود بغدادی^۵ (۷۶۷ م) برخلاف عقیده عام قیام نمود و اعلام کرد که حقایق عالی دین فقط محدود به متون صحیف و عهد عتیق است و بس؛ تلمود قدوسیت و سندیت ربانی ندارد؛ از این جهت عوام یهود او را مبتدع دانستند و پیروان او را جهت تمایز با دیگران فرزندان کتاب^۶ یا بن میقرا^۷ نام نهادند. ایشان در ده نکته خاص با یهودیان خاخامی متمایز شدند و مدعی بازگشت به دین اصلی، همان دین حنیف پیش از اسلام، را داشتند.^۸

در میان غیر یهودیان تا قرن سیزدهم به شکل عمده حمله ای به تلمود نشد، ولیکن از آن زمان، به ویژه از طرف مسیحیان مورد حمله شدید قرار گرفتند. زیرا این کتاب مهمترین منبع تعالیم یهود است که باعث مقاومت این قوم در برابر سلطه و نفوذ آیین مسیحیت بوده است؛ از آنجا که عهد عتیق نزد مسیحیان نیز حرمت داشت، پس تمام خشم ایشان متوجه تلمود شد و آن را منشأ شر موجود در یهود دانستند. لذا پادشاهان و پاپ ها، از سده سیزدهم، حملات شدیدی را علیه تلمود انجام دادند.

اولین واقعه تلمودسوزی عمومی در ۱۲۲۴ در فرانسه اتفاق افتاد و از آن پس حملات به شدت ادامه یافت. در دیگر کشورهای اروپایی نیز وضع تلمود بدین منوال بود. در نتیجه مجموعه تلمود محکوم و بسیاری

در قرن یازدهم افکار محققان و دانشمندان آن قوم در عراق و سپس در اسپانیا به نضج و پختگی خاصی رسید و آنها را از تنگنای نص تلمود بیرون آورد؛ عقیده رجعت به اصل کتاب مقدس (تورات) و ترک شروح و تفاسیر الحاقی معتقدان به تلمود^۳ در این زمان رواجی بسیار یافت. در

از نسخه‌های آن راسوزاندند.^{۱۱}

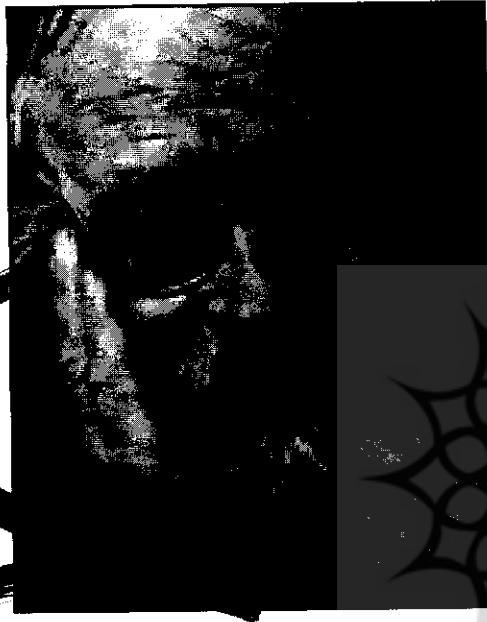
با وجود همه مخالفت‌ها و ممانعت‌ها، از زمان تدوین این مجموعه عظیم تاکنون وقفه‌ای در انتشار آن روی نداد و برای همیشه منبع و مرجع نهایی یادگیری باقی ماند. احکام آن به مرور ملایم شده و محتوای آن نیز بازبینی شد. هیچ کتابی، به غیر از کتاب مقدس، به اندازه آن بر یهودیت تأثیرگذار نبوده است.

پس از اتمام تلمود تفاسیر و شروح مختلفی بر آن نوشته شده است در طی سال‌های اخیر مطالعات مربوط به تلمود به نحو چشمگیر پیشرفت داشته و آثار فراوانی را موجب شده است که آوردن نام آنها به صورت مفصل در اینجا ممکن نیست از جمله دنیای تلمود از مورس آدلر^{۱۲} و تلمود از رابرت گلدنبری.^{۱۳}

پیش از چاپ کتاب مورد بررسی، از جمله آثاری که می‌توان به آن اشاره کرد کتاب نقد و نگرشی بر تلمود تألیف ظفر اسلام خان است که با ترجمه محمدرضا رحمتی در مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است. مؤلف کتاب علاوه بر رعایت نکردن شیوه صحیح نقد و بررسی در کتاب خود، به جای شناساندن تلمود در جای جای کتاب به بیان خیانت و تخطئه قوم یهود می‌پردازد. مترجم نیز در برگرداندن برخی اصطلاحات تلمود به زبان فارسی برخلاف شیوه معمول عمل کرده است و کلماتی همچون جمارا، قداشیم و طهاروت را به ترتیب جمارا، کوداشیم و توهاروت آورده است. کتاب دیگر گنجینه‌ای از تلمود است. این کتاب را آبراهام کهن از متن عبری تلمود به انگلیسی برگردانده است. شیوه ایشان بدین صورت بوده است که مطالب تلمود را در یک موضوع بدون نظم و ترتیب، گرد آورد و آنها را به هم پیوند داده است؛ چون در تلمود به ندرت موضوعی به طور کامل در یک قسمت بحث شده و آنچه در این کتاب آمده است تعداد کافی قطعات انتخاب شده است تا خواننده بتواند براساس آن نظری کلی درباره عقاید تلمودی پیدا کند. ضمناً در دیباچه کتاب سوابق تاریخی تدوین تلمود و موضوعات مورد بحث در آن آمده است. این کتاب را امیرفریدون گرگانی از متن انگلیسی به فارسی ترجمه کرده و سپس توسط یهوشوع نتن الی با متون اصلی عبری مطابقت داده شده است.^{۱۴}

از این روی به دلیل ناشناخته بودن یا نادرست شناسانده شدن تلمود که شالوده فرهنگ یهود به شمار می‌رود - ضرورت ترجمه چنین کتاب‌هایی جهت استفاده دین پژوهان فارسی زبان آشکار است و کار

آدمین اشتاین ساتنر



ترجمه این کتاب را باید به فال نیک گرفت. اما نکته‌ای که در سراسر کتاب سیری در تلمود به ویژه در بخش آخر آن، در فصل مسائل عجیب و شگفتی آور، به وضوح مشهود است، این است که نویسنده از معتقدان و پیروان متعصب تلمود است و در برخی جاها حتی در توجیه مسائل عجیبی که در تلمود نقل شده است، التزام و تعهد خود را به آن نمی‌تواند پنهان کند از جمله: «جایگاه تلمود مانند یک پژوهش نظری ناب است که در آن از راه حل‌های مسائل فرعی و غیرمحمول نیز برای مسائل کاربردی استفاده می‌شود» (۳۳۹) و نیز: «چون تلمود برای هر تحقیقی در هر سطحی و از هر نوعی آغوش گشوده بود، تعجبی ندارد که در آن به مباحثی برخورد کنیم که به طرز شگفت‌آوری به پیش‌بینی‌های هوشمندانه درباره موضوع‌های مورد ابتلا دنیای جدید می‌مانند؛ در حالی که همان مباحث، روزگاری جزء مباحث غیرواقعی و کاملاً نظری به حساب می‌آمدند» (۳۴۰)

در اینجا برای اینکه از بحث اصلی مقاله که معرفی کتاب است دور نشویم، به گزارش اجمالی محتوای کتاب می‌پردازیم. کتاب از سه بخش و هر بخش از فصول مختلفی سامان یافته است. در این اثر مؤلف به معرفی مجموعه عظیم، تلمود، می‌پردازد. در ادامه از سیر تاریخی گردآوری، تدوین «میشنا» و «تلمود»، فعالیت‌های علمی و میدراشی

شروع دورهٔ تنائیم را دقیقاً، می‌توان هم‌زمان با هیلل^{۱۸} شمّای^{۱۹} در آغازین روزهای حکومت هیروودیس دانست. تنا^{۲۰} به‌کسی گفته می‌شود که تحصیل می‌کند و آنچه را از استادان خود آموخته، بازمی‌گوید و به دیگران منتقل می‌سازد. در این دوره سنت عمومی شریعت شفاهی، به شبکه‌ای از قوانین که به‌طور دقیق تقریر یافته و به‌طور موضوعی یا به گونه‌ای که بتوان آن را به خاطر سپرد، مرتب شده‌اند، تبدیل گردید (۴۹).

یوحانان بن زکّای^{۲۱} از چهره‌های شاخص این عصر و از شاگردان مکتب هیلل و از نوادگان وی است. ایشان که مخالف شورش علیه رومیان بود. پس از تخریب معبد دوم در ۷۰ م. و سقوط اورشلیم از این شهر گریخت و در یونیه^{۲۲}، مرکز دینی یهود بنا نهاد و میراث مکتب هیلل را دنبال کرد. دستاوردهای علمی و گفت‌وگوهای هالاخایی یوحانان و نسل بعدی وی در مدارس علمی (یشواها)^{۲۳} یکی از پایه‌های مهم ادبیات میشنائی را ایجاد کرد.

از آنجا که شریعت شفاهی در طی قرن‌ها، به وسیلهٔ آموزش شفاهی از استاد به شاگرد منتقل می‌شد، ضرورت ایجاد روشی برای تنسیق و تدوین موضوع‌های آن احساس گردید. زیرا حجم زیاد شریعت شفاهی را دیگر نمی‌شد فقط از طریق تکرار و مطالعهٔ فشرده و متمرکز به خاطر سپرد. طلاب «به خاطر انفجار دانش» مجبور بودند که شمار زیادی از موضوع‌ها و مباحث را به ذهن بسپارند. ظاهر این پیشرفت‌ها که در دورهٔ معبد دوم (بعد از اسارت بابلی) در طی چندین نسل پیدا شده بود الهام بخش دانشمندان در خلق چارچوب‌هایی شد که تلمود براساس آن تدوین گردید. قوانین دسته‌بندی شدند و با عباراتی کوتاه که به راحتی می‌شد آنها را به خاطر سپرد، بیان گردید. همین ایجاز و اختصار گاهی موجب از دست رفتن وضوح و روشنی کلام می‌شد. از این رو، این نوشته‌ها و تدوین‌ها دربرگیرندهٔ همهٔ انواع یا جزئیات نبود، بلکه به نکات اصلی موضوع‌های مختلف و احکام صادره‌ای می‌پرداخت که به روشنی قانونی شده بودند. روشن است که چنین قوانینی قبلاً در دورهٔ معبد دوم وجود داشتند.

سازماندهی نظام‌مند مجموعهٔ هالاخا به بخش‌های کاملاً مجزا و تعریف شده، ظاهراً به دست ربی عقیوا صورت پذیرفته است. سپس شاگردان وی به ویژه ربی مئیر زیرکی زیادی در کار به خرج داد و نظام او مبنای کاریهودا هناسی در تدوین تلمود شد.

ری یهودا کارش را با طبقه‌بندی هالاخا به شش طبقه کلی به نام

در این مسیر، عالمان و فقیهانی که در تدوین تلمود نقش اصلی را ایفا کرده‌اند و نیز از مطالب دیگر مانند تفاوت‌های تلمود بابلی و فلسطینی، طبقه‌بندی مطالب تلمود، زبان، تفسیر، چاپ و نشر این کتاب سخن می‌رود.

بخش اول

نویسنده در این بخش با ذکر اهمیت تلمود (به معنای آموزش) به عنوان ستون اصلی یهودیت تعریفی رسمی که از تلمود می‌دهد این است: «خلاصه‌ای از شریعت شفاهی که پس از قرن‌ها تلاش عالمانه دانشمندان مقیم فلسطین و بابل، در آغاز قرون وسطی (با تفاسیر جدید) به بارنشسته است. تلمود از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود: میشنا کتابی حاوی هالاخا (شریعت)^{۲۴} که به زبان عبری نوشته شده است؛ و تفسیر میشنا معروف به تلمودیا (گمارا)^{۲۵} که معنای آن خلاصه‌ای از بحث و تبیین میشنا به زبان نامائوس آرامی عبری است» (ص ۲۲)

براساس نظر نویسنده تلمود گنجینهٔ هزاران سالهٔ حکمت و خردیهودی است و شریعت شفاهی که به قدمت و اهمیت شریعت مکتوب (تورات) در آن تجلی می‌یابد. تلمود مجموعه‌ای شامل شریعت، حکایت و فلسفه، آمیزه‌ای از منطق بی‌نظیر و واقع‌بینی زیرکانه، تاریخ و علم تجربی، حکایت‌ها و فکاهی‌ها است. این کتاب جنگی از مطالب ضد و نقیض، لیکن چارچوب آن منظم و منطقی است» (۲۲).

تلمود اثری یک‌دست از یک نویسنده نیست؛ به همین دلیل طیف گسترده‌ای از سلیقه‌ها را نشان می‌دهد. نتیجه و حاصل تقریر اندیشه‌ها و بیانات تعداد زیادی از عالمان، در یک دورهٔ طولانی است که هدف نهایی هیچ یک از آنها در آن زمان، خلق و کتابت یک اثر نبوده است. گفته‌ها و نظرهای آنها ملهم از زندگی بود و از پرسش‌های طرح شده برای خود آنان و تبادل آراء میان حکیمان گوناگون و شاگردان شان سربرمی‌آورد. به همین دلیل ما نمی‌توانیم گرایش روشن یا هدفی خاص را در تلمود ببابیم.

در فصول دیگر این بخش از «تنائیم»^{۲۶} و «امورائیم»^{۲۷}، گردآورندگان میشنا و گمارا، سخن می‌رود. تنائیم از علمای بنی اسرائیل بودند که در تدوین و تحریر میشنا شرکت جستند. در واقع آنها مطالب و مواد میشنا را از ششصد سال قبل جمع‌آوری نموده و نگاشتند و حدود ۲۰۰ م. به پایان رساندند.

به نسل تصحیح گردید. در حالی که تلمود اورشلیمی هرگز به طور دقیق تدوین نشد، بلکه تدوین مباحث آن بدون صرف وقت لازم و با شتاب صورت گرفت و همین باعث شد تا مدت ها، تلمود اورشلیمی را ضمیمه تلمود بابلی بدانند.

بخش دوم: ساختار و محتوا

ترتیب مطالب تلمود بابلی و فلسطینی مطابق با میشنا است، کتابی که هر دو تلمود آن را تفسیر می کنند. میشنا به شش بخش اصلی یا سد راییم^{۲۴} (بخش ها) تقسیم شده است، هر یک از بخش ها به دسته خاصی از مسائل می پردازد.

بخش نخست سدر زراعیم^{۲۵} (بخش نذرها) به هلاخای مربوط به کشاورزی و محصولات سرزمین فلسطین و هدایای تقدیمی به کاهنان و لایوان، و صدقه های اهدائی به فقیران اختصاص دارد؛ بخش دوم سدر موعد^{۲۶} (تعطیلات مذهبی) نام دارد. دوازده رساله این بخش درباره جشن هایی است که در طول یک سال واقع شده اند و موضوع آن به ترتیب از احکام روز شبات^{۲۷} (شنبه) تا احکام مربوط به ایام روزه دسته بندی شده است؛ سدر ناشیم^{۲۸} (زنان) سومین بخش است و درباره احکام مربوط به ازدواج از خواستگاری گرفته تا احکام زنا با نامحرم، طلاق و مالکیت اموال، بحث می کند و دو رساله دیگر یعنی نذاریم^{۲۹} (نذرها و تعهدها) که تا حدودی به روابط زن و شوهر پرداخته است و نازیر^{۳۰} که درباره احکام (نذیرها)^{۳۱}، زنان مؤمنی که نذرهای خاصی می کنند، است، ضمیمه آنها هستند؛ بخش چهارم نزیقین^{۳۲} (خسارات) به ریشوغوت^{۳۳} (راه های فرار) نیز معروف است؛ چون بخش نسبتاً زیادی از آن^{۳۴} درباره حمایت از زیان دیدگان در مقابل مجرمان است؛ بخش پنجم قداشیم^{۳۵} (مقدسات) به طور کلی، به احکام مربوط به معبد و قربانیان اختصاص دارد؛ بخش ششم، طهاروت^{۳۶} (طهارت ها، پاکی ها) درباره پیچیده ترین موضوع هلاخایی، یعنی احکام مربوط به طهارت و نجاست شرعی است. این بخش مبهم ترین بخش در میان تمامی بخش های میشنا است و حتی راموراهای بزرگ در کشف رموز آن با مشکل روبه رو بودند.

سپس در این بخش مؤلف در چندین فصل به طور مجمل موضوعات پرداخته شده در تلمود همچون مواعید، ازدواج و طلاق و وضع زنان و قربانی ها و جزآن را جداگانه بررسی می کند.

بخش سوم: روش

در این بخش از روش های تفسیری و فکری تلمود و مسائل دیگر

«بخش های شش گانه میشنا» آغاز می کند که هر طبقه به گروهی از موضوع های مربوط اختصاص دارد. دستاورد عمده یهودا، تلخیص شریعت شفاهی و قرارداد آن در چارچوبی کاملاً مدون و محدود بود. هلاخاهایی که مورد پذیرش عمومی بودند به نحوی ثبت می شدند که جوهره آنها حفظ شود، ربی یهودا فقط تدوین گر میشنا نبود. بلکه در عمل نیز در گفت وگو های علمی با معاصرانش، از آن سود می جست.

پس از ربی یهودا تنها اصطلاحات ضروری انجام شد و طرح وی اساساً بدون تغییر باقی ماند و با این کار باعث حسن ختام تنائیم گردید. پس از مرگ ربی یهودا به دلیل نبودن فردی شایسته برای جانشینی وی، اقتدار مرکز فلسطین رو به افول نهاد. در آن زمان اوضاع اقتصادی و سیاسی فلسطین فروپاشید و به دنبال آن، مهاجرت به کشورهای دیگر موجب افزایش مراکز آموزشی در بابل شد. به سبب کاهش اهمیت مرکز فلسطین، مرکز بابل بر مرکزیت فلسطین سایه افکند.

پس از دوره، میشنائی حکیمان این مراکز خود را امورائیم - از ریشه امور به معنی سخن گفتن یا تفسیر کردن - میشنا نامیدند. امورائیم همان کاری را که تنائیم بابل و فلسطین در قبال تورات کردند، درباره میشنا کردند. تنائیم که به شرح و تفسیر و عصری کردن تورات پرداختند و میشنا را عرضه کردند. امورائیم نیز به توضیح و تبیین میشنا و اجتهاد در تعالیم آن کردند که ثمره تلاش آنها دو تفسیر یا دو گمارا تحت عناوین گمارای اورشلیم از امورائیم فلسطین و گمارای بابلی از امورائیم بابل بود [البته گمارا کلمه ای آرامی است و تلمود کلمه ای عبری بود که فلسطینی ها به کار می بردند که هر دو به معنای تحصیل کردن] است. هر کدام از این واژه ها در دوره های مختلف معانی دیگری نیز داشتند. اما در نهایت لفظ گمارا برای تفسیر میشنا و تلمود نام متن مختلط (میشنا + گمارا)، که سرانجام به وجود آمد، به کار برده شد.^{۳۵}

اگرچه دست مایه اولیه و اصلی هر دو تلمود (بابلی و اورشلیمی) و روش های آموزشی و پژوهشی آنها یکسان است، تفاوت های قابل ملاحظه ای نیز میان این دو وجود دارد. در واقع وجه مشترک هر دو میشنا و وجه افتراقشان گمارا است. تلمود اورشلیمی از موضوع هایی مانند هلاخای مربوط به فلسطین و کشاورزی آن مرز و بوم به تفصیل سخن می گوید، در حالی که در تلمود بابلی تقریباً هیچ سخنی از این موضوعات به میان نیامده است. از سوی دیگر شمار حکایت ها در تلمود اورشلیمی بسیار اندک است. علاوه بر این انشای تلمود بابلی با احتیاط زیاد و وقت شناسی دقیق انجام شد و مباحث و جزئیات بسیار آن، نسل



- 15- Halakha
- 16) Gemara
- 17) Tannaim
- 18) Amoraim
- 19) Hillel
- 20) Shammai
- 21) Tanna
- 22) Yohanan Ben Zakkai
- 23) Yavneh
- 24) YeshiVot
- 25) Robert Goldenbery, *Talmud*, Mircea Eliade, OP-Cit, Vol.14,P.257.
- 26) Sedarim
- 27) Seder Zera'im
- 28) Seder Mo'ed
- 29) shabbat (sabbath)
- 30) Seder Nashim
- 31) Nedarim
- 32) Nazir
- 33) Nazirite
- 34) Nezikin
- 35) yeshu'ot
- 36) Kodashim
- 37) Teharot

سخن می‌رود. روش فکری در تلمود مانند بیشتر قلمروهای تفکر اصلی یهود، احترازی آشکار از تفکر انتزاعی متکی بر مفاهیم مجرد است. تلمود به جای مفاهیم انتزاعی از الگوها استفاده می‌کند و هیچ تلاشی برای تبیین مستقل مسائل علمی یا منطقی صورت نمی‌گیرد. مؤلف در فصل پایانی این بخش‌ها بر این باور است که تلمود بر خلاف تورات هرگز به پایان نرسید و هیچ‌گاه به طور رسمی از اتمام آن خبر داده نشد. اصل ناتمام بودن تلمود حاکی از یک فراخوان مستمر برای تداوم عمل‌آفرینش است. بر هر عالمی واجب است که چیزی بر تلمود بیفزاید و به تکامل این اثر کمک کند، گرچه در نهایت تلمود هیچ‌گاه به اتمام نمی‌رسد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Adin Steinsaltz

۲- ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم ۱۳۷۵، صص ۵۵۹ و ۵۶۰.

3) Jacob Neusner, *Mishna and Tosefta*, Mircea Eliade, *The Encyclopedia of Religion*, Macmillan, New York, 1987, Vol. 9, P. 560.

4) Talmud

5) Karaism

6) Anan b. David

7) Sons of Scripture

8) Ben Miqrab

۹- ناس، جان بی، همان، ص ۵۶۲.

10) Herbert Loewe *Judaism*, James Hastings, *Encyclopedia of Religion and Ethics*, Edinburgh, New York, Vol. 7., 1964, P.598.

11) I. Abrahams, *Talmud*, Ibid, Vol. 12, P.183.

12) Moris Adler, *The World of the Talmud*, New York, 1958.

13) Robert Goldenbery, *Talmud*, New York, 1984.

۱۴- این کتاب در ۱۳۸۲ در انتشارات اساطیر تجدید چاپ شده است.

